

۲۶ بهمن در تهران و شهرستانها، به اجتماعات بازنشستگان پیوندیم!



۵۸۲

مستکونی، کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-Communist Party of Iran - Hekmatist

۲۴ بهمن ۱۳۹۹ - ۱۲ فوریه ۲۰۲۱

روزهای سوخته رژیم، روزهای زنده ما و مردم

گفتگو با رحمان حسین زاده

حداقل دستمزدها

حقوق مکفی برای همگان!

امسال بحث تعیین حداقل دستمزدها با دست اندازهای جدیدی از جانب دولت و کارفرمایان مواجه شده است. یک تلاش بیوقفه سرمایه داران و دولت اسلامی شان، کاهش مرتب نرخ دستمزدها، ارزانتر تمام کردن کل هزینه بازتولید کارگران و کارکنان و افزایش نرخ سود سرمایه داران است. حداقل دستمزد کنونی بحدی افتضاح و بیربط با واقعیات زندگی و هزینه های جاری است که قرار بود آنرا بازبینی و بازسازی کنند، اما "وقت نداشتند" و مشمول زمان کردند تا برسیم به بحث حداقل دستمزد ۱۴۰۰. این حقیقت را در گوشه ذهنمان داشته باشیم که خط فقر در ایران در حال حاضر نه میلیون است و حقوق بسیاری از کارگران دو و پانصد و در جاهای حتی کمتر است.

بحث تعیین "مزد منطقه ای" از ابتکاراتی بود که سال گذشته بجلو رانده شد تا با احتساب تفاوت هزینه های استانی و کلان شهرها به حداقل حقوق در بسیاری مناطق تعرض جدیدی بکند. فعلاً این سیاست در آرشیو است اما دو مورد جدید در ماه اخیر طرح شده است: اول، محاسبه حقوق پایه براساس مجرد یا متأهل بودن. دوم، دستمزد توافقی. دولت بعنوان یک سرمایه دار بزرگ ادعا کرده که محاسبه "سبد معیشت" کنونی براساس اندازه خانوار را برسمیت نمی

صفحه ۲

گسترش اعتراض و نارضایتی و کابوس جمهوری اسلامی

صفحه ۷

سعید یگانه

در ستایش یک انقلاب

به یاد بهمن پنجاه و هفت

صفحه ۸

جاوید حکیمی

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

فراخوان به اعتراض عمومی مردم در کردستان

نمایش فاشیسم ایرانی - اسلامی

شناسنامه دادن به کودکان با پدر "غیر ایرانی"

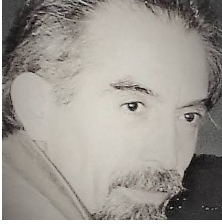
صفحه ۹

سیاوش دانشور

زنده باد کمون پاریس

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

داران بیان می کند.



مضافا فاکتوری جدید وارد معادله شده است که بی توجهی به آن زیانبار است. پاندمی کرونا اقتصاد بحران زده را زمین گیرتر کرد و آوارش مانند همه بحرانها اساسا بر سر صفوف طبقه کارگر و مردم محروم ریخت. بیش از یک و نیم میلیون شغل طی یکسال

در ایران از دست رفته اند و بیکاری سه الی شش میلیونی مضاف به حجم عظیم بیکاری کنونی در انتظار است. نظر به فقدان یک سیستم بیمه و خدمات اجتماعی روشن و جوابگو و محروم بودن جمعیت عظیمی از حداقل حقوق و مستمری و بیمه درمانی، همینطور نظر به اینکه حداقل دستمزد شامل بخش وسیعی از کارگران نمیشود و از افزایش اسمی همان شندرغاز هم با این ترندهای کارفرمایی چیزی عاید کسی نمیشود، لذا بحث حداقل دستمزد امسال به بحث تامین معیشت همگان گره میخورد. مسئله بسیار روشن است، به افزایش حقوق نهادهای نظامی و حکومتی تا مدیران و لایه های متحد کارفرما و دولت نگاه کنید و آنرا با این استدلالهای کارفرمایان و دولت مقایسه کنید. اینها تنها راهی که بلدند اینست که با بالا بردن شدت استثمار، کاهش مستمر حقوق ها، زدن مزایا و سنوات و تغییر قوانین، سودشان را بالاتر ببرند و سهم طبقه کارگر را کمتر و کمتر کنند. با مردم قیمت سوخت و هزینه های زندگی را با دلار محاسبه میکنند و به آنها با ریال حقوق میدهند، همین را هم نمیدهند و برای مکیدن آخرین قطره های خون کارگران نقشه کشیده اند.

کارگران خواهان تامین لوازم و نیازهای زندگی هستند نه "سبب معیشت" محاسبه شده سرمایه داران برای خانواده های کارگری. حقوقی که اینها برای یکماه کارگر در نظر گرفته اند، هزینه خرده تفریح روزانه نکیت زاده های حکومتی و سرمایه داران هم نیست. این را نباید بپذیریم. در دوران کرونا، بیش از هر زمان صفوف طبقه کارگر فداکاری کرده و قربانی داده است. حاصل اما بیکاری و کاهش دستمزد و مرگ هزاران جان شیفته بوده است. دولت را باید با گسترش اعتراضات خود به تامین معیشت جوابگوی نیازهای زندگی امروز و در شأن و حرمت همه افراد، به تامین رایگان و جوابگوی درمان و سلامت و واکسیناسیون رایگان و همگانی موظف کنیم. شعار کارگران نفت باید مبنای یک مبارزه توده ای کارگری چه برای حداقل دستمزدها و چه برای تامین معیشت همگان قرار گیرد.

سردبیر.

۱۱ فوریه ۲۰۲۱

حداقل دستمزدها

حقوق مکفی برای همگان ...

شناسد. استدلال میکند بسیاری از کارگران مجرد هستند و برای محاسبه دستمزد و سبب معیشت آنها نباید مبنای ۳.۳ نفر را کنونی را برای اندازه خانوار در نظر گرفت. یعنی بخشی از کارگران هزینه کمتری دارند در نتیجه میتوان در محاسبه همان حقارت "سبب معیشت" دولتی هم صرفه جوئی کرد.

مورد دیگر "مزد توافقی" است که با نامه معاون حقوقی روحانی به مدیر سازمان تامین اجتماعی ابلاغ شده است. در مزد توافقی مبنای حتی اگر حداقل حقوق مصوب دولتی سال قبل باشد، افزایش یا عدم افزایش آن در سال جدید به توافق کارگر و کارفرما موکول شده است. کارفرما میتواند حقوقی که برایش بیشتر می صرفد بدهد، بسیاری مزایا و حق اولاد و غیره را ندهد و کارگر یا باید قبول کند یا برود. اگر قبول کرد، توافق شده و قانونی است. این نامه دو هدف را بروشنی دنبال میکند: اول، کارفرمایان موظف با دادن افزایش دستمزد نیستند حتی همان افزایش اسمی و محاسبه جعلی نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار". دوم، کارها اساسا باید قراردادی باشد و نه دائم و رسمی با مزایای متعلق به آن. بنابراین کارفرما میتواند هر سال قرارداد کارگر را تمدید نکند و اگر تمدید میکند اضافه دستمزد بدهد یا ندهد، پایه های سنوات و غیره را محاسبه بکند یا نکند، دستمزد باید "توافقی" باشد. در واقع از یکسو بصورت فرمال مثلا میگویند دستمزدها بیست تا سی درصد افزایش یافت و از سوی دیگر میگویند رعایت قانون برای کارفرمایان عزیز الزامی نیست. در واقعیت هم کارفرما نمی پردازد و مجرد یا متاهل بودن کارگر، قراردادی و موقت و شرکتی بودن، کابوس بیکاری، همه باید کمک کنند که کارفرما کمتر بپردازد و کارگر کمتر دریافت کند.

دستمزدهای ۱۴۰۰

با دورخیزهای تاکنونی دولت برای تهاجم به سفره خالی کارگران، اظهارات غیر رسمی تاکنونی و آنچه که در لایحه بودجه آورده اند، شورای عالی کار متشکل از دولت و کارفرمایان روی یک نرخ افزایش اسمی ۲۰ الی ۲۵ درصدی کار میکنند. در چنین صورتی حداقل دستمزد و مزایا در سال ۱۴۰۰ رقمی بین سه میلیون تا سه و نیم میلیون میتواند باشد. با این حقوق همین امروز در تهران و کلان شهرها بزور بتوان دو اتاق در پائین شهر اجاره و یک هفته نان خشک خورد.

کارگران نفت جواب داده اند!

کارگران صنایع و مراکز مختلف از حقوق جوابگوی هزینه ها و تامین یک زندگی آبرومند و شایسته حرف میزنند. کارگران نفت در تهران رقم دوازده میلیون را اعلام و تاکید کردند هیچ کارگری نباید کمتر از ده میلیون تومان حقوق بگیرد. این تفاوت خواست کارگران با حداقل دستمزد کنونی و سیاست دولت و کارفرمایان، خود را در اعتراض و اعتصاب هر روزه بخشهای مختلف طبقه کارگر به دولت و سرمایه

دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی،

درمانی و بهداشتی شهروندان در شرایط

گسترش پاندمی کرونا است!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

روزهای سوخته رژیم، روزهای زنده ما و مردم

گفتگو با رحمان حسین زاده

سیوان کریمی: اخیرا جمهوری اسلامی سریالهای مضحک تلویزیونی را علیه نیروهای اپوزیسیون در کردستان پخش کرده است. حزب حکمتیست طی اعلامیه ای این پرونده سازی شناخته شده را افشاء کرده و در آن اعلامیه تاکید شده که "جمهوری اسلامی صلاحیت قضاوت و زیر سوال بردن هیچ نیروی اپوزیسیون و مخالف خود را ندارد". دلایل این ادعای حزب حکمتیست چیست؟

رحمان حسین زاده: دلایل فراوانند. بر همگان در دنیا و بیش از هر جایی در خود ایران واضح است که جمهوری اسلامی، حکومت ۴۲ سال قتل عام و نسل کشی، زندان، شکنجه و اعدام صدها هزار نفره و بعلاوه؛ نمونه مجسم سربه نیست کردن خودی ترین عناصر منقرض امثال رفسنجانی و احمد خمینی و مظهر تروریسم اسلامی در جهان و منطقه است. رژیم هولوکاست اسلامی به قول اعلامیه حزب که نوشته شده "شما مطلقا صلاحیت قضاوت و زیر سوال بردن هیچ نیروی مخالف و اپوزیسیون را ندارید". با این کارنامه جنایات کسی به او حق قضاوت در مورد اپوزیسیون را نمیدهد. بگذارید مواردی از مقاطع جنایات این رژیم را از فردای بعد از انقلاب ۵۷ بیان کنیم. هنوز یک ماه از حاکمیت ننگین اسلامی نگذشته بود تعرض به حقوق زنان را با عنوان "یا روسری یا توسری" در روز جهانی زن، هشتم مارس (۱۷ اسفند) سال ۵۷ شروع کردند. در اواخر اسفند همانسال حمله به تحصن بیکاران در اصفهان و تهران را سازمان دادند. فضای آزاد و حاکمیت مردمی در کردستان را تحمل نکرده و جنگ خونین سنج را بر مردم تحمیل کردند. دانشگاهها را بستند. جنگ علیه شوراها را مردم در ترکمن صحرا را سازمان دادند. ارتجاع مکتب قرآن و ته مانده های فنودالی را در کردستان به جان مردم انداختند. نهایتا در ۲۸ مرداد ۵۸ هجوم نظامی سراسری به فرمان خمینی جلاد به کردستان شروع شد. به همراه گسیل گله حزب الله، دادگاههای یک دقیقه ای خلخالی و اعدام جوانان راه اندازی شد. جنایات قارنا و قه لاتان و ایندرفاش جاری شد. اعدام دسته جمعی ۵۹ نفر را در مهاباد سازمان دادند. در سراسر ایران جانوران بسیج و حزب الله و سپاه پاسداران تازه سازماندهی شده را برای منکوب کردن آزادیخواهی و حق طلبی مردم انقلاب کرده سازمان دادند. در خرداد ۶۰ هزاران جوان را در مدتی کوتاه به قتل رساندند. برای تحمیل حاکمیت سپاه اسلامی، در آتش جنگ با دولت عراق دمیدند و به این بهانه علاوه بر به کشتن دادن دهها هزار انسان، در ابعاد میلیونی اسیر و مصدوم جنگی را تحویل جامعه دادند. هشت سال سوخت و ساز نرمال جامعه را فدای جنگ طلبی و "صدور انقلاب اسلامی" کردند. در پایان ناکامیشان با نوشیدن "جام زهر خمینی" و قبول شکست در جنگ، خمینی جلاد دستور قتل عام جمعی هزاران زندانی را در تابستان ۶۷ صادر کرد. تمامی سالهای تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی متکی بر قتل عام و زندان و اعدام، و آخرین موارد کشتار معترضین در دیماه ۹۶ و در آبانماه ۹۸ و قتل جمعی و عمد ۱۶۷ مسافر امیدوار به زندگی در مویشک زنی سپاه پاسداران به هواپیمای اوکرائینی را شاهد بودیم. در نتیجه جمهوری اسلامی مشابه فاشیسم هیتلری با پرونده سنگینی از جنون و جنایات و نسل کشی و اعدام مطلقا صلاحیت قضاوت و بررسی

نیروهای اپوزیسیون از چپ و راست، مترقی و یا ارتجاعی را ندارد. تازه آنچه در همه این سالها دیده شده، هنوز تمامی ابعاد جنایات رژیم اسلامی نیست، در فردای سرنگونی این رژیم و علنی شدن تاریخ خانه های این سیستم مخوف، جهان متوجه خواهد شد بر مردم ایران و حتی مردم منطقه طی حاکمیت جمهوری اسلامی چه گذشته است. آنوقت باید سران و کاربدستان جانی این سیستم درست مثل سران فاشیسم هیتلری و موسولینی به جرم جنایات علیه بشریت به سزای اعمال سبعانه شان برسند.

سیوان کریمی: جمهوری اسلامی چرا در این مقطع و با چه هدفی اینکار را کرده است؟

رحمان حسین زاده: اینکه چرا در این مقطع دست به اینکار زده اند، چون در بدترین دوران حیات عمر ننگین نظام اسلامی هستند. براستی خامنه ای و دیگر سران جمهوری اسلامی کابوس مرگ نظامشان را می بینند. فاجعه کرونا در یکسال اخیر برای جمهوری اسلامی، فرصتی شد، تا اعتراضات گسترده و تعیین کننده مشابه آبانماه ۹۸ ادامه پیدا نکند. این دوره به اتمام میرسد. باردیگر نشانه سربرآوردن قدرتمندتر جنبش کارگری و توده ای و دیگر اعتراضات بخشهای اردوی کار و حقوق بگیران و مردم حق طلب به وضوح خود را نشان میدهد. اعتراضات موفق و سراسری هفتم بهمن بازنشستگان و فراخوان مجدد آنها در چند روز آتی در ۲۶ بهمن تنها یک نمونه است. میدانند اوضاع سخت معیشتی و گرسنگی و زندگی زیر خط فقر و عدم تامین امکانات پزشکی و سلامتی برای اکثریت عظیم شهروندان جامعه به نقطه غیرقابل تحمل و انفجاری رسیده است. اعتراضات گسترده و سراسری و تعیین کننده در کمین حاکمیت جمهوری اسلامی نشسته است. جمهوری اسلامی پاسخی برای حل معضلات عمیق اقتصادی گریبانگیر مردم، تامین معیشت و سلامت و امکانات اولیه زندگی میلیونها انسان ندارد. میدانند با اراده کارگر و مردم به میدان آمده و هرچه جلوتر میرویم، خودآگاهتر، سازمان یافته تر و متحدتر، سرنگونی جمهوری اسلامی نزدیک است. برای مقابله با این اوضاع ابزار سرکوب که تازه مثل گذشته کارایی ندارد و در کنارش انواع ترفندها و همین سناریوسازیها و نمایشهای تلویزیونی رسوا شده را علم کرده اند. طبق محاسبات استیصال آمیز خود، هدف از قتل ناکامشان اینست که به نسل جوان و مردمی که در تاریخ یک دهه اول عمر جمهوری اسلامی زندگی نکرده اند، بگویند، رژیمشان با چه نوع "اپوزیسیونی" و به زعمشان با چه "موانعی" روبرو بوده است. کورخوانده اند، نسل جوان و مردم به آسانی به روایت واقعی از تحولات مقطع انقلاب ۵۷ و سالهای بعد آن دسترسی دارند. این جعل بافیهای رژیم شناخته شده و رسوا است. به خیال خامشان میخواهند نسبت به متشکل و متحد شده و به صف اپوزیسیون پیوستن، به ویژه اپوزیسیون چپ و کمونیست ناامیدی اشاعه دهند. اولین بارشان نیست به چنین اقدامات مذبحخانه دست میزنند و آنچه دیده اند، گسترش اعتراض و نفرت از جمهوری اسلامی بوده است. این "سریال سازیهای جعلی" دقیقا از سر زبونی و جیبونی است و انعکاس پریشان حالی سران جمهوری اسلامی است.

سیوان کریمی: مقاطع مهمی از مبارزه آزادیخواهانه

روزهای سوخته رژیم،

روزهای زنده ما و مردم ...

مردم به ابتکار کمونیستها در جامعه کردستان ثبت شده، که جمهوری اسلامی علیه آن پرونده سازی میکند. خود شما در بطن این مبارزه و تاریخ حضور داشته اید، برای اطلاع بیشتر نسل جوان، به طور فشرده مقاطع مهم آن تاریخ مبارزاتی را یادآوری کنید؟

رحمان حسین زاده: ابتدا تاکید کنم تاریخ مبارزه رادیکال، انقلابی و کمونیستی در جامعه کردستان بسیار غنی است و به نوشتن کتابها احتیاج هست. خوشبختانه در این مورد کتاب با ارزشی منتشر شده به نام "تاریخ زنده کردستان، چپ و ناسیونالیسم" اثر رفیق حسین مرادی (حمه سور) از رهبران وقت کومه له و حزب کمونیست ایران و اکنون از چهره های شناخته شده حزب ما، اولین فرمانده نظامی سراسری آنوقت نیروی پیشمرگ کومه له در جنگ مقاومت علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع در کردستان بود. این کتاب در سایتها قابل دسترس است و به زودی هم قرار است توسط رفیق حمه سور مجدداً آپ دیت و باز نشر شود. علاقمندان را به مطالعه آن کتاب فرامیخوانم. اما در اینجا من میتوانم رئوس وار به مقاطع مهمی از مبارزات ما کمونیستها که جمهوری اسلامی قصد وارونه گویی آن را دارد، اشاره بکنم. بهمن ماه ۱۳۵۷ سراسر ایران شور انقلاب بود. قیام ۲۲ بهمن به عمر رژیم سلطنت پایان داد. از همان روز خمینی و دارودسته اش که به قدرت رسیده بودند، خطاب به مردم انقلاب کرده، اعلام نمودند، به خانه هایمان برگردید و کار تمام است؟! در صورتیکه انقلاب اوج گرفته و تعمیق میشد. کارگران، نسل جوان، مردم حق طلب خواستار اجرا و تحقق، آزادی، رفاه و سعادت و زندگی بهتری بودند، که برایش انقلاب کرده بودند. ضد انقلاب اسلامی به قدرت رسیده، تحول انقلابی را تمام شده، اعلام کرد و اتفاقاً ماموریت اصلی اش یعنی سد کردن و سرکوب انقلاب آزادیخواهانه و چپ گرایانه در حال گسترش را شروع کرد. در تهران و در سطح سراسری ضد انقلاب اسلامی دست بالا پیدا کرده بود، هر چند تا خرداد ۶۰ وقت طلبد، تا به طور اساسی شرایط انقلابی را سرکوب و پایان دهد. اما در شهرهای کردستان از همان فردای ۲۲ بهمن انقلاب تداوم پیدا کرد. بی دلیل نیست در همین سناریو سازی جعلی گفته اند، از "۲۳ بهمن کردستان را ناامن کردند"! باید پرسید، ناامنی برای کی و چه جریانی؟ معلوم بود، با تداوم انقلاب و رویدادهای انقلابی در کردستان اوضاع برای ضد انقلاب اسلامی تازه به قدرت رسیده، ناامن شد. دارودسته های مزدور خمینی چون مکتب قرآن و مفتی زاده ای ها و صفدری نماینده مستقیم رژیم و ... با موج انقلابی مردم روبرو شده و اوضاع را بر خود ناامن میدیدند. اما شاهدان زنده آن دوران هنوز فراوانند تا روایت کنند از ۲۲ بهمن ۵۷ تا بیست و هشتم مرداد ۵۸ که خمینی جلاد دستور هجوم نظامی به کردستان را صادر کرد، در شهرهای کردستان اراده انقلابی اکثریت عظیم جامعه در قالب شوراها و تشکلهای و جمعیتها و انواع نهادها و اقدامات و تحرک انقلابی، و گسترش سیاست چپ و رادیکال تداوم پیدا کرد. در این فاصله آزادترین و امن ترین شرایط برای شهروندان جامعه حاکم بود. بی دلیل نبود، که شعار "کردستان، سنگر انقلاب" در سراسر ایران شنیده میشد. جمهوری اسلامی این اوضاع را میدید و در همان بهمن و اسفند ۵۷ توطئه گریها

علیه تحولات انقلابی در کردستان را شروع کرد. تحمیل جنگ نوروز خونین سبب به مردم از مهمترین این اقدامات ضد مردمی جمهوری اسلامی بود. در این جنگ بود، که رفیق جانباخته صدیق کمانگر هدایت و مقاومت نظامی و انقلابی مردم شهر سنج را به عهده گرفت و عاقبت جمهوری اسلامی سرش به سنگ خورد و با اعزام هیات حکومتی از بالاترین مقاماتش مجبور به مذاکره و سازش با صدیق کمانگر و همزمانش و نمایندگان مردم سنج شدند. تن به اداره شورایی منتخب مردم شهر سنج دادند. در تداوم این فضای انقلابی در دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ جانیان به قدرت رسیده، مضحکه رفتارند "آری یا نه" به جمهوری اسلامی را برپا کردند که در آن رویداد مهم مردم کردستان و نیروهای سیاسی دخیل در صحنه با نقش هدایت گر و موثر کمونیستها به رفتارندوم جمهوری اسلامی "نه" گفتند. خمینی و اطرافیانش بیش از پیش متوجه شدند، در کردستان سرشان به سنگ خورده است. در نتیجه بیش از قبل به بسیج ارتجاع مذهبی نوع مکتب قرآن و ته مانده های ارتجاع فئودالی و سنتی علیه مردم و نیروهای چپ و کمونیست عمدتاً متشکل در جمعیتها و تشکلهای کارگری و توده ای پرداختند. در آن دوره مبارزات کارگری و توده ای در قالب اعتصابات و تحصنها و راهپیمایی ها، سازمانیافته در شوراها و اتحادیه و کانونهای کارگری و توده ای وسیعاً تجربه شد. از جمله در یک مورد مبارزه بیکاران در همه شهرها منجر به گرفتن وام بیکاری برای همه کارگران بیکار در کردستان شد. زنان و تشکلهای آنها هر چند هنوز نارسا اما برای اولین بار به صحنه مبارزات متشکل پا گذاشتند. روحیه همونوع دوستی و اتحاد و همبستگی در میان مردم وسیعاً تجربه شد. مبارزات زحمتکشان روستا و دهقانان علیه بازمانده ارتجاع فئودالی مورد حمایت جمهوری اسلامی از سومابرادوست تا اطراف مهاباد و پیرانشهر و سردشت و کرفتوی سقز و کامیاران و برجسته تر در مریوان با حمایت و هدایت فعالین و نیروی چپ و کمونیست متشکل در جمعیت ها که بعداً عمدتاً در کومه له چپ و کمونیست، سازمان پیدا کرد، در جریان بود و موفقیتهای مهمی را کسب کرد. وقایع مهمی چون مبارزه مردم مریوان برای جلوگیری از حاکم شدن پاسداران در ۲۳ تیر و بعد کوچ تاریخی شهر مریوان با رهبری زنده یاد فواد مصطفی سلطانی و کمونیستهای چون فاتح شیخ، عبدالله دارابی و صالح سرداری و همایون گدازگر که اکنون در حزب حکمتیست تلاش مبارزاتی خود را ادامه میدهند و دیگر شخصیتهای کمونیست حاضر در صحنه کنونی مبارزه جزو برگیه های تاریخی مبارزات آن دوره اند. واقعیت اینست تا قبل از ۲۸ مرداد ۵۸ فضای شهرهای کردستان شور مبارزه و بیشترین آزادی و امنیت و قدم به قدم تقویت جنبش و نیروی چپ و کمونیست را تجربه میکرد. جمهوری اسلامی و سرکرده اش خمینی جنایتکار این شرایط را تحمل نکرد و دستور هجوم نظامی به مردم کردستان را صادر کرد. برای مقابله با لشکرکشی نظامی رژیم نقطه عطف مبارزاتی مهمی رقم خورد. زمینه مقاومت و مبارزه سیاسی، توده ای و نظامی علیه حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده در کردستان وجود داشت. این مبارزه رهبری رادیکال و چپ را میطلبد. آن مقطع تاریخی فرا رسید که رهبری وقت کومه له، کسانی مثل فواد مصطفی سلطانی، دکتر جعفر شفیعی و شعیب زکریایی و حسین مرادی (حمه سور)، عبدالله مهدی (که متأسفانه اکنون به مسیر دیگری راه کج کرده)، ابراهیم عزیزاده، ایرج فرزند، ساعد وطندوست، و شخصیت برجسته ای چون صدیق کمانگر، تصمیم به تأمین رهبری سیاسی و نظامی جنبش مقاومت بگیرند. آنها با انتشار بیانیه "خلق کرد در بوته آزمایش" پایه گذار جنبش مقاومت مردم کردستان در مقابل جمهوری اسلامی شدند. تصمیم

روزهای سوخته رژیم،

روزهای زنده ما و مردم ...

جمهوری اسلامی چکار میکند؟ انتظار شما از مردم و اپوزیسیون سرنگونی طلب جمهوری اسلامی در این رابطه چیست؟

رحمان حسین زاده: حزب ما با اطلاع از ماجرا اولین جریان سیاسی بود، طی اعلامیه ای رئیس سیاست روشنی در جهت خنثی کردن اهداف رژیم و نحوه مقابله موثر مردم و نیروهای اپوزیسیون اعم از چپ یا راست را منتشر کرد. این اعلامیه کمک کرد، در این رویداد جهت درستی برای مقابله با جمهوری اسلامی جا بیفتد. براساس جهت سیاسی اعلامیه حزب، تعدادی از کادرهای رهبری حزب که خود جزو سازندگان تاریخ مبارزه رادیکال و کمونیستی در کردستان هستند، به افشای این ترفند جمهوری اسلامی پرداخته اند. هدف ما اینست اولاً مشت محکمی به دهن جمهوری اسلامی کوبیده شود و همانطور که در اعلامیه تاکید شده، به جمهوری اسلامی بگویم ساکت شو و شما حق هیچ نوع قضاوتی را در مورد اپوزیسیون و مخالفان خود را ندارید. جمهوری اسلامی میخواد تاریخ پر افتخار مبارزه انقلابی رادیکال مردم کردستان و مشخصاً تاریخ مبارزه ما کمونیستها و نیروهای چپ و کمونیست در آن جامعه را وارونه کند. ما نه تنها نمیگذاریم به این هدف برسد، مهمتر رهبران و شخصیتهای حزب حکمتیست که از رهبران و سازندگان مبارزه رادیکال و سوسیالیستی جامعه کردستان بوده و هستیم، آن تاریخ واقعی و برحق مبارزاتی را بازگو میکنیم و در دسترس جامعه و نسل جوان قرار میدهیم. همین مصاحبه کنونی بخشی از این تلاش است. به علاوه تاکنون رفقا عبدالله دارابی و همایون گذرگر و صالح سرداری طی میزگردی به روایت تاریخ واقعی رویدادهایی که در مستندهای جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار گرفته اند، پرداخته و این رفقا و کادرهای دیگر حزب این کار را ادامه میدهند.

ضمناً در اعلامیه حزب آمده و اینجا هم مطرح میکنیم، که لازم است نیروهای اپوزیسیون اعم از چپ یا راست، آنهایی که با تعبیر خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی فعالیت دارند، میخوایم در این ماجرای مشخص فوکوس خود را بر تعرض به جمهوری اسلامی بگذارند. بگذار عکس العمل محکم اپوزیسیون، جمهوری اسلامی را بیشتر رسوا کند.

تا آنجا به جامعه و مردم مربوط است، ما مطمئن هستیم بخش وسیع مردم ارزشی برای این سناریوهای آبروبخته جمهوری اسلامی قائل نیستند و آن را به ریشخند میگیرند. با این وجود فراخوان ما به مردم اینست این سریال سازی مشمنز کننده را بعنوان ضعف و استیصال جمهوری اسلامی و بعنوان شکنندگی دشمن نگاه کنند. علاوه بر اعتراض محکم و اعلام نفرت و انزجار از کارناوال پوچ رژیم، در عین حال ضعف و استیصال جمهوری اسلامی را به اراده و نیروی متحد و سازمانیافته برای سرنگونی سریعتر جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. موقعیتی است همه دست در دست هم این فرصت را هم به گردآوری نیروی بیشتر برای جارو کردن قطعی جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

سیوان کریمی: به عنوان سؤال آخر بخشی از صحبتهای خود شما و فعالین کمونیسم کارگری و حتی فعالین سیاسی دیگر در این سریالهای مضحک جمهوری اسلامی پخش شد، عده ای این را به دست گرفته و آن را نشانه "همسویی با جمهوری اسلامی" معرفی کرده اند،

کمونیستها آن مقطع به فاکتور مهمی تبدیل شد، تا حتی حزب متزلزل و امید بسته به ساخت و پاخت با حکومت مرکزی، مثل حزب دمکرات کردستان ایران عملاً به جنبش مقاومت بپیوندد. به این ترتیب مردم در کردستان در مقابل جمهوری اسلامی با همه ابتکار قد علم کردند. کمتر از سه ماه جمهوری اسلامی سرش به سنگ خورد و شکست سختی را تقبل کرد و همان خمینی دستور دهنده هجوم نظامی، پیام قبول شکست و عقب نشینی را در آبانماه ۵۸ صادر کرد. مذاکرات دولت و هیئت نمایندگی خلق کرد متشکل از نیروهای سیاسی حاضر در صحنه کردستان شروع شد. به مدت قابل توجهی همه شهر و روستاهای کردستان همچون منطقه آزاد توسط خود مردم و نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی اداره شد. در همان دوره که جمهوری اسلامی به مانور مذاکره پناه آورده بود، از توطئه گریها و تجهیز مجدد نیروی سرکوبگرش برای هجوم مجدد کوتاهی نمیکرد. تحصن بزرگ و توده ای شهر سنندج در زمستان ۵۸ و شکل گیری بنکه ها و شوراهای مردم در آن مقطع از تجارب غنی و مهم آن دوره بود. بعد از نوروز سال ۵۹ جمهوری اسلامی حمله نظامی از جمله از جنوب کردستان را مجدداً شروع کرد. مقاومتی حماسی در کامیاران و به ویژه جنگ مقاومت ۲۴ روزه سنندج و بعداً سقر و بانه و جاده ها و مسیرهای محوری، در مهاباد و سردشت و بانه و مریوان دوره پر از درس و تجربه غنی مقاومت و مبارزه مردم کردستان است. بعد از تصرف شهرها توسط ارتش و سپاه پاسداران، به مدت نزدیک به سه سال بخش زیادی از مناطق روستایی، همچون منطقه آزاد، عرصه نبرد و مبارزه علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع بود. در همه این دوران آنچه رشد و گسترش پیدا میکرد، بالا رفتن خود آگاهی سیاسی و مبارزاتی در میان مردم به ویژه کارگران و مردم زحمتکش کردستان به دلیل حضور موثر کمونیستها به خود آگاهی طبقاتی بالایی دست پیدا کردند. حاصل آن در سازمانیابی و متشکل شدن متنوع کارگران و به ویژه در مراسمهای پرشکوه ماه مه سالهای ۶۶، ۶۷، ۶۸ سنندج در اوج استبداد و سرکوب و جاری بودن جنگ ایران و عراق و در اعتصابات وسیع کوره پزخانه ها با نقش محوری کارگران آگاه و سوسیالیست بود. بی دلیل نبود کمونیسم و حزب کمونیست ایران و سازمان کردستانش (کومه له) در آندوره با استقبال و رشد چشمگیری در مبارزه کارگری و توده ای روبرو شد. عکس العمل جمهوری اسلامی حتی در همین سناریو سازیهای جعلی نسبت به حضور کمونیستها در جامعه کردستان در واقع اعتراف به وزن و قدرت جنبش کمونیستی و کارگری و احزاب چپ و کمونیست از جمله حزب حکمتیست در کردستان است. سریال سازی جعلی جمهوری اسلامی در واقع نقطه ضعف جمهوری است و این درماندگی او را به فرصت تشدید تضعیف و سرنگونی رژیم باید تبدیل کرد.

سیوان کریمی: حزب حکمتیست در تقابل با این پرونده سازی جعلی

گرایشات و جریانات راست و ناسیونالیست و مشخصا سازمان بدنام و بدسابقه و ارتجاعی تحت مسئولیت عبدالله مهدی گفتم و نوشتم افتخار میکنم. فراتر از آن از همه نقدها و ادبیات چپ و سوسیالیستی از مقطع کنگره دوم کومه له به بعد که گرایش چپ و مارکسیست انقلابی درون کومه له و حزب کمونیست ایران به ویژه در یکدهه اول مبارزه با سرمایه و جمهوری اسلامی بیان و تدوین شده و به صف متمایز جنبش سوسیالیستی و کمونیستی در صحنه سیاست کردستان شکل داد و از جمله بخش معینی از آن در دهه شصت شمسی توسط شخص عبدالله مهدی پشیمان از آن دوره نوشته شده، دفاع میکنم. ما سازندگان تاریخ مبارزه انقلابی و کمونیستی بعد از انقلاب ۵۷ که اسکلت اصلی آن اکنون در حزب حکمتیست فعالیت داریم، در مقابل جمهوری اسلامی و جریانات ارتجاعی و عقبمانده ناسیونالیست از تک تک مقاطع افتخار آمیز مبارزه کمونیستی آندوره تاکنون دفاع میکنیم. جمهوری اسلامی و مزدوران سریال سازش گویا در این سناریوها میخواهند روایت جعلی وقایع مهمی چون کوچ مریوان و جنگ سنندج و از عملکرد انقلابی شخصیتهای رهبر این وقایع چون زنده یادان فواد مصطفی سلطانی و صدیق کمانگر ارائه دهند، به آنها گوشزد میکنیم، کور خوانده اند، ما همزمان آنها در همان وقایع اکنون در رهبری حزب حکمتیست روایت واقعی آن مبارزات درخشان را مجددا بیان میکنیم. جانبان جمهوری اسلامی به خود جرئت داده اند روایت وارونه از جانباختن عزیزانمان در گردان شوان پخش کنند. به آنها میگوییم شما که بازماندگان اسیر گردان شوان را در شکنجه گاهها و زندانهای شهر سنندج به قتل رساندید، حق صحبت در مورد آنها را ندارید. ما تضمین کرده و میکنیم به جمهوری اسلامی و ارتجاع اجازه نمیدهیم به تاریخ مبارزه کمونیستی چند نسل از کمونیستها در ایران و کردستان خدشه ای وارد کنند.

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد".

منصور حکمت

روزهای سوخته رژیم،

روزهای زنده ما و مردم ...

اولا هدفشان از این ادعاها چیست و ثانيا پاسخ شما چیست؟

رحمان حسین زاده: بگذار تاکید کنم کاش کسانی که خود را فعال سیاسی و ضد رژیم میدانند، صرفنظر از هر گرایشی که دارند و با وجود خصومتی که با کمونیستها و حزب حکمتیست دارند، از آن درجه از عقل سلیم، درایت سیاسی بهره مند بودند، که متوجه باشند، در این ماجرا لازم است ترفند جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون را رسوا کنند. اگر به این شیوه عمل میکردند، اکنون در این مصاحبه مجبور نبودیم به فضا سازی پوچ آنها بپردازیم. مساله اینست بخشی از ناسیونالیستهای کرد و مشخصا سیمپاتها و فعالین سازمان زحمتکشان تحت مسئولیت عبدالله مهدی، به جای جمهوری اسلامی یکبار دیگر خصومتشان را علیه کمونیسم کارگری و مشخصا حزب حکمتیست و شخصیتهایش بیان کردند.

هدفشان اینست در مقابل نقد و بیان عقیده و آگاهگری رادیکال و کمونیستی در قبال سیاست و کارکرد نیروهای سیاسی و اساسا نیروهای ناسیونالیست مانع و محدودیت ایجاد کنند. اگر دقت کنید، اینها از موضع راست گرایانه و ارتجاعی خود به هیچ درجه از نقد و اعتراض به جریانات چپ و مترقی و کمونیست اعتراضی ندارند. اما از همان موضع عقبمانده و شرمگینانه، نقد و آگاهگری از ناسیونالیسم و فدرالیسم و اعمال سازمان متبوعشان به ویژه از جانب ما کمونیستها را قلمرو ممنوعه میدانند و ترمز بریده به کمونیستهای کارگری و حزب حکمتیست اتهامات سخیف میزنند. از آنها باید پرسید در همان سریال سازی کذابی جمهوری اسلامی بیشتر از سخنان ما کمونیستهای کارگری، سخنان فعالین سیاسی و هنری و نویسنده و ژورنالیست غیر کمونیست کارگری و عمدتا ناسیونالیست را چگونه توضیح میدهند؟ به سبک جمهوری اسلامی اینها هم وارونه سازی میکنند. در کجای دنیا این را تجربه نکردیم، که دولتهای حاکم، نه فقط در جوامع استبداد زده، در همین کشورهای اروپایی هم دولتها برای مخالفین و اپوزیسیون خود پرونده سازی و پاپوش دوزی میکنند. اپوزیسیون به آنها جواب میدهد و مردم "سینه زنی" و تحریک تعصبات و ردیف کردن اتهامات بی پایه علیه نیروی اپوزیسیون را به تمسخر میگیرند. واقعیت دیگر اینست، سیاستها و کارکرد جریانات ناسیونالیست و مشخصا جریان فدرالیست عبدالله مهدی چنان مشمزز کننده و غیر قابل دفاع است، که آگاهگری و افشاگری ما کمونیستها "دکان عقب مانده سیاسی شان" را به شدت لرزانده است. از ادامه این آگاهگریها نگرانند و میخواهند با فضا سازی مانع درست کنند. همین جا تاکید میکنم این ترندها نمیتواند مانع ادامه نقد و آگاهگری کمونیستی ما شود. نمیتواند مانعی در مقابل آزادی بی قید و شرط سیاسی باشد که چند دهه است برای تثبیت آن در فضای سیاسی مبارزه کرده ایم. شخصا به تک تک جملات و کلمات و نقدهایی که در چند دهه اخیر از درون حزب کمونیست ایران و کومه له و تاکنون علیه

جنبش مجمع عمومی را دامن بزنیم و تقویت کنیم!



گیرد و اعتراض به بخش قابل توجهی از زندگی مردم تبدیل شده است. گسترش اعتراضات کارگری اکنون نه تنها جنبش کارگری را در آستانه تحولی جدید در تاریخ مبارزاتی خود قرار داده است بلکه بر فضای سیاسی ایران تاثیر جدی گذاشته است. اعتراض کارگری و جنبش کارگری امروز در محور سیاست ایران قرار دارد. جمهوری اسلامی خوب آگاه

است که جنس این جنبش متفاوت است و رویارویی با جامعه ای که حرف طبقه کارگر را میزند با روشهای گذشته ممکن نیست. به این اعتبار گسترش اعتراضات کارگری و به هم بافتن این اعتراضات یکی از حلقه های مهم این جنگ طبقاتی است. مبارزات امروز طبقه کارگر در هفت تپه، فولاد، هپکو، پتروشیمی و نفت و گاز، راه آهن، شهرداری ها، اعتراضات بازنشستگان، معلمان، پرستاران و دهها اعتراض از همین جنس علیه خصوصی سازی، برسر دستمزد و معیشت و سلامت و بیمه و غیره، نه تنها جمهوری اسلامی را در منگنه قرار داده است در عین حال به مبارزه و جنبش طبقاتی علیه سرمایه داری دامن زده است، جهت سیاسی تعیین کرده و طبقه کارگر و جنبش علیه فقر را در موقعیت مناسبتری قرار داده است.

جمهوری اسلامی بدون خشونت و سرکوب و ارباب قابل تصور نیست و با کشتار و اعدام و خشونت سر پا مانده است. واقعیت این است که جدال برسر ماندن و نماندن جمهوری اسلامی در کانون سیاست ایران قرار دارد و فی الحال خیزشهای عظیم اجتماعی دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ را رقم زده است که وحشیانه سرکوب شد. حقیقت این است که رژیم اسلامی سخت از تکرار برآمدهای توده ای و گسترش اعتراضات کارگری نگران است و ارباب و وحشیگری رژیم اسلامی در مقابل مردم، ریشه در این واقعیات انکارناپذیر دارد.

به نظرم تحولات کنونی سیاسی در ایران برای آزادی و برابری و رفاه و رفع تبعیض است. اعتراضاتی که امروز با صلابت و آگاهی و بلوغ سیاسی بیشتری می رود که سرنوشت سیاسی ایران را رقم بزند. مبارزه برای آزادی همه دستگیر شدگان و همه زندانیان سیاسی، یکی از حلقه های مبارزه برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی است.

۱۱ فوریه ۲۰۲۱

**کارگران در اعتراضات به مجمع
عمومی متکی شوید!
جنبش مجمع عمومی کارگری را
گسترش دهید!**

گسترش اعتراض و ناراضی و کابوس جمهوری اسلامی

سعید یگانه

جامعه ایران در چهل و دومین سالگرد حکومت ضد انقلاب اسلامی و "دهه زجر" در شرایط به مراتب بسیار دشوارتر سیاسی و اقتصادی قرار دارد. فقر و بیکاری و فلاکت دامن بخش اعظم مردم کارگر و تهیدست جامعه را گرفته است. گرانی و تورم افسار گسیخته و بیکاری زندگی مردم را هر روز بیشتر تحت فشار قرار می دهد و فقر و فلاکت تار و پود جامعه را گرفته است. انواع مصیبت اجتماعی دامنگیر مردم شده و بالاخره کرونا و تبعات اقتصادی و روانی آن، جامعه را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است. جمهوری اسلامی و سرمایه داری بحران زده ایران ناتوان از حل مشکل بیکاری و کاهش فقر و تامین حداقلی از معیشت، بخش اعظم مردم کارگر و زحمتکش، بازنشسته و پرستار و معلم و زحمتکش جامعه را به یک رویارویی و اعتراض روزانه در خیابانها و محیط کار و واحدهای تولیدی کشانده است و به یک جبهه اصلی جنگ میان مردم و جمهوری اسلامی تبدیل کرده است.

جمهوری اسلامی در مقابل موج اعتراض و ناراضی و گسترش آن به خشونت و ارباب غیر قابل وصفی روی آورده است و برای حفظ نظام و جلوگیری از فروپاشی آن، به هر آنچه در مخیله انسان نمی گنجد و هر جنایتی برای ممانعت از گسترش اعتراضات دست می زند. موج دستگیری و احضار فعالین در همه شهرها روز به روز گسترش می یابد. تنها در هفته های گذشته در شهرهای کردستان بیشتر از صد و چهل نفر از فعالین سیاسی و اجتماعی را دستگیر و روانه زندان کرده اند. مهرداد تالشی فعال سیاسی اهل دیواندره را در تهران دستگیر و در زندان زیر شکنجه به قتل رسانده اند. موج اعدام در سیستان و بلوچستان، تهیه سناریوهای جعلی از مبارزات برحق مردم و اپوزیسیون در کردستان؛ همه این خشونت علیه شهروندان قرار است به جمهوری اسلامی کمک کند تا نظام فقر و استعمار و تبعیض و اختناق اسلامی را سرپا نگهدارد.

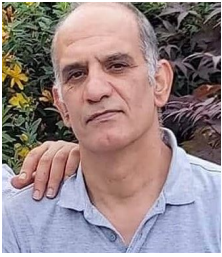
در کنار آن جمهوری اسلامی تلاش می کند که بخش زیادی از نابسامانیهای اقتصادی را به تحریمهای آمریکا نسبت بدهد و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. بخصوص با آمدن باین بیشتر به این توهم دامن می زنند و کیست که نداند با توافق برجام و رفع تحریمها و برگشت پولهای بلوکه شده ایران، همان موقع هم چیزی عاید اکثریت عظیم مردم نشد. تلاش و تبلیغات کنونی رژیم نیز برسر توافق با غرب نه برسر رفع گوشه ای از مشکلات جامعه و مردم، بلکه فرصتی برای تخفیف بحران مزمن اقتصادی و مواجهه با خطر سرنگونی را هدف خود قرار داده است.

در پرتو چنین شرایطی است که روز به روز ناراضی مردم اوج می

در ستایش یک انقلاب

به یاد بهمن پنجاه و هفت

جاوید حکیمی



شخصیت سیاسی تاریخ، از وحشت قدرتگیری چپ و برای سرکوب انقلاب با حمایت آمریکا و غرب بقدرت رانده شد و سپس با آمریکائی ستیزی مبتدل به جنگ انقلابی رفت که حکومت ژاندارم آمریکا در منطقه را سرنگون کرده بود.

رژیم خمینی این پدرجد داعش، انقلاب را با نام انقلاب سرکوب کرد و ابتدا کارش را با

اعدام بدنام ترین سران ساواک که به دست مردم افتاده بودند آغاز نمود، قتل عام مخالفان را از روی لیست ساواک و شاه ادامه داد، با فرمان جهاد علیه مردم کردستان این آخرین سنگر آزادیخواهان و برابری طلبان و با قلع و قمع شوراها کارگری و احزاب و سازمان های چپ و کمونیست رسالتش را خاتمه داد. بدرجه ای که جامعه از واقعه سقوط شاه دور شد و با سرکوب انقلاب و قدرتگیری ضد انقلاب اسلامی از چاله به چاه افتاد، از تاج و تخت افتادگان و استعمارگران پیشین زبانشان برای تمسخر انقلابیون و قیام کنندگان دراز و درازتر گردید. و اکنون به جایی رسیده ایم که آن انقلاب ناتمام و بخون کشیده شده، دستمایه هجو و هزل مثنوی ساواکی گریخته از دست مردم شده است. حالا دیگر هر سلبریتی جویای نامی خواهان عنزخواهی انقلابیون بابت سرنگون ساختن خاندان مستبد پهلوی می شود!

سیاستمداران راست در تمسخر مردمی که با شعار "توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد" به خیابان ها آمدند و کشته شدند، می گویند آنها فریب وعده آب و برق مجانی خمینی را خوردند. به شریف ترین و شجاع ترین جوانانی که در هفده شهریور خونین پرپر شدند می گویند آنها پول نفت می خواستند. این جاعلان تاریخ خوب می دانند تمام این وعده ها را خمینی خیلی دیر و زمانی داد که مردم دیگر تنها به قصد برانداختن رژیم آمده بودند. وانگهی مگر شاه نیز نگفته بود غلط کردم و صدای انقلاب را شنیدم. راست این است تنها مردمی دل به انقلاب می سپارند و سینه را مقابل گلوله سپر می کنند که تصمیمی را سخ برای عبور از یک وضعیت گرفته باشند. مردمی که برای برپائی یک دنیای بهتر و انسانی برای همگان مبارزه می کنند و برای تحقق آن از بذل مال و جان خویش دریغ نمی کنند. بورژوا جماعت کلامی از روحیه آرمان خواهی و عدالت طلبی انقلابیون پنجاه و هفت بر زبان نمی آورد همانا چون بکل با این مفاهیم بیگانه است.

آزادگی، برابری طلبی و رهائی همان چیزی است که بورژواهای مزور و مال پرست بویی از آن نبرده اند. وگرنه محال بود کسی ادعای مبارزه با استبداد داشته باشد و در عین حال مردمی را نکوهش کند که روز خودش نظام دو هزار و پانصد ساله استبدادی را سرنگون کرده اند. در این میان اظهار ندامت شارلاتان هایی که از خمینی تا خاتمی همراه نظام اسلامی بودند و اکنون در خدمت شاهزاده منتظر تاج و تخت هستند، اوج ریاکاری است و نه گواه صداقت ایشان.

اپوزیسیون راست امروز بدون مخالفت با انقلاب و کمونیسیم نمیتواند خودش را توضیح دهد و بطور ویژه در مناسبت بهمن ماه چپ جامعه را آماج طعنه و دشنام قرار می دهد. حقیقت آن است که جامعه ایران و انقلاب آتی ربط یکی به یکی با دوران انقلاب پنجاه و هفت ندارد. اینکه این انقلاب باید چکامه اش را از دنیای امروز و

مردمی که تاریخ خود را آنگونه که هست به یاد نیاورند مجبور به تکرار آن هستند. درست به همین علت یک رسالت همیشگی مورخان قلم به مزد تحریف تاریخ است. آنها وقایع تاریخی را به نفع روایت مطلوب خویش چنان دستکاری می کنند که گاه از یک دلقک، قهرمان می سازند و گاه از تمام مردم، جماعتی ابله.

اکنون و پس از چهل سال حکومت اعدام اسلامی، تنها یک واقعه می تواند جامعه را به هیجان آورد و غرق شادی کند و آن سقوط حکومت اسلامی است. دامنه و عمق شادی بی حد و حصری که از این اتفاق فرخنده نصیب رنجدیدگان و ستمکشان می شود برای کسانی جز اینها درک ناشدنی است. آیندگان در باره کنش سیاسی معترضان و مخالفان امروز هر قضاوتی داشته باشند نمی توانند آنان را بابت نفرت عمیق شان از نظام اسلامی نکوهش کنند. نمی توانند برای رهبر مادام العمر و مستبد کنونی کمترین حقانیتی قائل شوند. نفس نفرت کارگران و توده ای عظیم از خامنه ای و دولت تحت امرش، حکم بر محکومیت بی اما و اگر او در تاریخ می دهد.

چهل سال پیش توده ها درست همین احساس را نسبت به شاه و نظام سلطنت داشتند. چهل سال پیش وقتی حکومت شاهنشاهی سقوط کرد و پادگان ها به تصرف قیام کنندگان درآمد، جز خانواده سلطنت و نزدیکان آنها، هیچکس متاسف و غمگین نبود. مردم پس از سالها خفقان مطلق در آن گورستان آریامهری، برای نخستین بار طعم آزادی را می چشیدند و از شعف و خوشحالی سر از پا نمی شناختند. حکومت منهای دربار، ساواک، دستگاه سرکوب و گارد جاویدانش، تقریباً تمام جامعه اعم از افسار بالایی، میانی، تحتانی و حاشیه نشینان را از خود رانده بود. آزادی زنان و برابری با مردان پیشکش، شاه حتی شهپانو را نیز آشکارا تحقیر می کرد و او را ناقص العقل می دانست. این آدم بی مایه که با حمایت انگلیسی ها به سلطنت رسیده بود و با کودتای آمریکایی ها از پس نخست وزیر خود برآمده بود هیچکس را به حساب نمی آورد. براستی که سقوط نظام سلطنتی همانقدر عین عدالت بود و شرط تحقق آزادی که امروز سرنگونی حکومت اسلامی. این نکته حقیقت محض است لیکن در تضاد کامل با منافع سلطنت طلبان. راست می گویند اگر بدیهی ترین قضایای هندسی با منافع افراد برخورد می نمود محققاً آنرا رد می کردند. فلسفه طعن و تمسخر انقلاب پنجاه و هفت توسط مخالفان دیرروز و امروزش، در همین تضاد منافع با حقایق بدیهی نهفته است.

اما از تاج و تخت افتادگان و ساواکی های سالها خزیده در سوراخ موش هرگز جرات نمی کردند انقلابیون را تمسخر کنند اگر انقلاب ناتمام نمی ماند. بهمن پنجاه و هفت دیکتاتوری شاه سقوط کرد اما آنکه آمد برخلاف انتظار انقلاب بنیانگذار داعش بود و با حمایت و اراده آمریکا آمد. صاحبان سرمایه برای مقابله با کمونیزم، خفاشی خون آشام را رنگ کردند و به جای قناری به مردم فروختند. خمینی، این صادراتی ترین

نمایش فاشیسم ایرانی - اسلامی

شناسنامه دادن به کودکان با پدر "غیر ایرانی"

سیاوش دانشور

سر دیگر آن در ناسیونالیسم عظمت طلب و آریائی مسلک ایرانی در اپوزیسیون. ناسیونالیسم از هر نوعش، ابزار ایجاد تفرقه و تشتت میان کارگران و شهروندان، ابزار بورژواهای متفرقه برای کسب سود با ایجاد شکاف و رقابت و موقعیت نابرابر میان اردوی کارکن، زن و مرد، بومی و غیر بومی، ایرانی و خارجی است. ناسیونالیسم وقتی افراطی میشود محصولاتی مانند هیتر و موسولینی و نژادپرستان نوع ترامپ تولید میکند. ناسیونالیسم یک پایه اساسی فاشیسم است. ناسیونالیسم ایدئولوژی فاشیسم است. تحریک ملی "هنر" ناسیونالیسم است چرا که هویت بخشی به "ملت" خود و ایجاد وحدت درونی خویش را در معرض به "ملت" دیگر و همسایه و همکار جستجو می کند. مهمترین تابوها و افتخارات "یک ملت" در زیرپا له کردن همین تابوها و افتخارات "ملت دیگر" معنی میشود.

براستی یک جامعه چقدر باید پس رفته باشد که مقاماتش دادن شناسنامه به یکی از هزاران کودکی که تصمیم نگرفته اند در کدام خراب شده دنیا بیایند، با مراسم و حضور استاندار و تبلیغات همراه باشد! این نمایش تنها گوشه ای از پرده عملکرد فاشیستی حکومت در آن جامعه را بالا برد. پشت این پرده دنیائی از جنایت و تبعیض نهفته است. این حکومت اسلامی سرمایه است که با کلیت این جامعه در تناقضی مهلک قرار دارد و فقط باید بطرق انقلابی سرنگون شود.

کودکان دین، مذهب، ملیت و ایدئولوژی ندارند. کودکان بر هر منفعت و ترجیح سیاسی و مذهبی و ملی و ایدئولوژیک مقدم اند.

۲۲ بهمن ۱۳۹۹

در ستایش یک انقلاب

به یاد بهمن پنجاه و هفت ...

پاسخ به سوالات آن بگیرد تردیدی نباید داشت. این پیچ این انقلاب و تحولی دیگر است که توضیح دهنده ابراز پشیمانی های عده ای از انقلاب و سنگربندی کنار ارتجاع سرنگون شده علیه نسل انقلابیون امروز است. سرنگون ساختن حکومت اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی، دست کمونیست ها و جنبش طبقه کارگر و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب را می بوسد. کسانی که برای انقلابیون پنجاه و هفت احترام عمیق قائل اند و به یاد جانباختگان، کلاه از سر برمی دارند.

۱۱ فوریه ۲۰۲۱

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

دستگیر شدگان کردستان را آزاد کنید!

غلامرضا شریعتی استاندار خوزستان، این شخصیت منفور میان کارگران خوزستان و از دشمنان قسم خورده کارگران هفت تپه، امروز از دادن شناسنامه به "اولین فرزند با مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی" خبر داد. نفس اینکه هزاران کودک صرفاً بجرم اینکه پدر و مادرشان مهاجر و کارگر هستند از مدرسه رفتن محروم باشند، کارت ملی نداشته باشند، فاقد دکتر و درمان و بیمه باشند، از بازی و جست و خیز و دنیای کودکان محروم باشند، فوراً حکومت آپارتاید را به اذهان متبادر میکند. آپارتاید اسلامی سیاست نژادپرستانه را با ضدیت ویژه اسلام با زن ترکیب کرده و معجون بسیار خطرناکی را بدست داده است. این رسم و قانون فاشیسم ایرانی - اسلامی است که از یکسو با کارگران مهاجر افغانستانی این رفتار را دارد و از سوی دیگر در تهران برای طالبان فرش قرمز پهن میکند.

فرزندان مهاجرین مانند مادران و پدرانشان بجای خود محفوظ که با این خامنه ای اصلاً شمارش نمیشوند تا چه رسد به اینکه حقی داشته باشند و در سیستم اداری مملکت باشند. آنها بردگان سوپر ارزان، مسئول کارهای سخت و طاقت فرسا و وسیله اخاذی اوباش حکومتی اند. حالا فرزندان داریم که مادرشان متولد ایران و شریک زندگی شان متولد افغانستان یا کارگر مهاجر است. نکته ظریف اینجاست که چون زن در شرع اسلام اساساً انسان بحساب نمی آید و نهایتاً جزو "متعلقات و اموال" مرد است، "مادر ایرانی" کفایت نمیکند و فرزند این خانواده از روز تولد داغ لعنت مضاعفی بر پیشانی اش کوبیده شده است. وی حق ندارد از همان حقوق محقری برخوردار باشد که قانون ارتجاعی آن مملکت برای شهروندان لاقول روی کاغذ برسمیت شناخته است.

حالا بعد از کلی مشورت با دیناسوره های موسوم به "علما" و سبک و سنگین کردن سود و زیان، سال گذشته قانونی با تبصره هائی آوردند که بعد از بررسی یک به یک پرونده ها، که معلوم نیست چه روالی بر این بررسی حاکم است، قرار است برای این کودکان بخت برگشته شناسنامه صادر شود. این کودکان تاکنون "بی هویت" محسوب می شدند چون از "پدر و مادر ایرانی" نیستند بلکه فقط مادرشان متولد ایران است. حتی مهم نیست خود این کودکان متولد ایرانند مهم اینست که پدر "ایرانی" نیست. ایلنا می نویسد فقط "در خوزستان ۲ هزار و ۳۰۰ فرزند از مادر ایرانی و پدر غیر ایرانی وجود دارد که برای ۵۲۴ آنها پرونده تشکیل شده و به تدریج شناسنامه آنها صادر خواهد شد".

رژیم اسلامی در تعرض فاشیستی به مهاجرین ساکن ایران شهره آفاق است. نهاد ضد کارگری موسوم به خانه کارگر در تهران آنهم در روز کارگر، باندروال آورده بود که از کارفرمایان میخواست کارگر افغانستانی را استخدام نکنید. اینها اگر تحریک شوند میتوانند دست به قتل عام کارگران مهاجر بزنند! از شعار فاشیستی تا عمل فاشیستی راه دوری نیست. این فاشیسم و خارجی ستیزی یکسرش در حکومت است و

PARIS COMMUNE 1871-2021

گره می باد

یکصد و پنجاهمین سالروز

کمونیست باید پس

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

اولین انقلاب کارگری

درسها کمون

اثر ولادیمیر ایلیچ لنین / ۱۹۰۸

فداکاری های کمون، گرچه سنگین بود، با اهمیت آن برای مبارزه عمومی پرولتاریا جبران می شود:
کمون جنبش سوسیالیستی را در سراسر اروپا به حرکت در آورد،
نیروی جنگ داخلی را نشان داد، توهمات وطن دوستانه را باطل کرد،
و باور ساده لوحانه به تلاش های بورژوازی برای اهداف ملی مشترک را نابود کرد.
کمون به پرولتاریا اروپایی به طور مشخص وظایف انقلاب سوسیالیستی را نشان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

"شعارمان این زمان، معیشت است و درمان!"

روز ۲۶ بهمن اجتماعات سراسری در تهران و شهرستانها

- بازنشستگان همراه با بخشهای مختلف طبقه کارگر خواهان واکنش‌های رایگان و همگانی با استانداردهای معتبر جهانی هستند.
- بازنشستگان به طرح "بیمه تکمیلی" و وعده "بازسازی حقوق‌ها" اعتراض دارند و خواهان بیمه درمانی و خدمات پزشکی و دارویی رایگان و معیشت مافی هستند.
- بازنشستگان به تاراج صندوق‌های بیمه بازنشستگی و دست‌درازی سازمان تامین اجتماعی و سرمایه‌داران بورس باز اعتراض دارند و برآنند که هیچ مسئول و ارگانی حق ندارند به اندوخته این صندوقها که توسط خود آنان در دوران اشتغال تامین شده، دست‌درازی کنند و یا خود را صاحب اختیار آن بدانند.
- بازنشستگان خواهان اعمال نظارت مستقیم نمایندگان منتخب خود و انتخاب هیئت مدیره و بازرسان توسط خود آنان برای اداره صندوقها هستند.
- بازنشستگان به سیاست ایجاد تفرقه دولت و نهادهای حکومتی براساس فرق بین بازنشستگان بخشهای مختلف از لشکری و کشوری تا مستخدمین دولتی و بازنشستگان تامین اجتماعی و مستمری بگیران اعتراض دارند.
- بازنشستگان خواهان تامین معیشت مافی و برخورداری از سلامتی و واکنش‌های رایگان برای همه مردم ایران هستند.

از اجتماعات برحق بازنشستگان حمایت کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

فوریه ۲۰۲۱ - بهمن ۱۳۹۹



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی
کمونیست

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک‌های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک‌های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400 BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

فراخوان به اعتراض عمومی مردم در کردستان

کارگران، مردم آزادیخواه کردستان!

واکسن همگانی رایگان برای مردم قدرت مبارزاتی خود را به میدان بکشیم.

بر این اساس کمیته کردستان حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست مردم مبارز در کردستان را به اعتراض عمومی حول؛

- ۱- علیه دستگیرهای اخیر در کردستان و خواست آزادی فوری بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی
- ۲- انزجار از "سریالهای مضحک" علیه مبارزه مردم کردستان و نیروهای سیاسی
- ۳- خواست فوری تامین معیشت و درمان و واکسن رایگان و همگانی، فرامیخواند.

جامعه و مردم کردستان در ۴۲ سال گذشته تجارب غنی از اشکال متنوع مبارزه موثر توده ای را اعم از اجتماعات اعتراضی، اعتصاب، تحصن و راهپیمایی و ... تجربه کرده و میتوانند با اتکا به این تجارب این بار نیز اعتراض عمومی و گسترده را در همه شهر و روستاهای کردستان سازمان دهند. ما از فعالین و پیشروان مبارزات کارگری و توده ای و اجتماعی میخواستیم، مثل همیشه ابتکار را به دست بگیرند، بنا به تشخیص خود اعتراض عمومی گسترده و موثر را در همین روزهایی که توقع حرکت مبارزاتی موثر مطرح است، سازمان دهند.

ما از کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران، از همه نیروهای سیاسی، چپ و کمونست و آزادیخواه میخواستیم از اعتراض عمومی مردم در کردستان علیه جمهوری اسلامی حمایت کنند.

زنده باد اعتراض عمومی مردم در کردستان

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

۱۷ بهمن ۱۳۹۹ - ۵ فوریه ۲۰۲۱

COVID-19
Vaccine

رایگان

استانداردهای
جهانی

برای همه

واکسیناسیون رایگان

با استانداردهای بهداشت جهانی،

حق فوری کلیه ساکنین ایران است!



هواری همکاری
نیروهای چپ و کمونست

موج بازداشت‌های وسیع دو هفته اخیر و دستگیری بیش از صد نفر از فرزندان شما به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی و همزمان نمایش مضحک "سناریو های تلویزیونی" علیه نیروهای اپوزیسیون و بویژه بر ضد جنبش چپ و کمونیستی در کردستان و احزاب و شخصیت‌های آن با هدف انتقام از ۴۲ سال مبارزه انقلابی و حق طلبانه شما و مهمتر به منظور مقابله با روند رو به رشد خیزش اعتراضی و انقلابی مردم از جانب سردمداران جمهوری اسلامی طراحی شده است. این اقدامات در شرایطی است که گرسنگی، بیماری و بیکاری، عدم تامین معیشت و سلامت و نبودن واکسن کرونا گریبان اکثریت دهها میلیونی شهروندان جامعه را گرفته است، این اقدامات در شرایطی است که بی مسئولیتی و ناتوانی و ناکارایی رژیم فاسد جمهوری اسلامی در مقابله با فاجعه کرونا زباززد خاص و عام است.

در همان حال سردسته جنایتکاران اسلامی، خامنه ای جلا، تامین واکسن مورد تایید سازمان بهداشت جهانی را منع و خرید آن را به قیمت مرگ مردم به تاخیر انداخت. سران جمهوری اسلامی به خوبی میدانند، این شرایط موجب تلنبار شدن نفرت و بیزاری عمیق و گسترده اکثریت قاطع و عظیم جامعه علیه سرپای نظامشان است. آنها از به میدان آمدن غول بیدار شده مردم معترض برای برچیدن نظام اسلامی وحشت دارند. آنها گوشه های محدودی از جنبش سرنگونی طلبانه را در دیماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ تجربه کرده اند. چشم انداز همه گیر شدن جنبش انقلابی برای برچیدن جمهوری اسلامی خواب از چشم آنها روده است. مثل تمام عمر جنایتکارانه شان، به عیب بار دیگر سرکوبگریها، زندان و شکنجه و اعدامها را ضامن بقای نظامشان میدانند. اما سرشان به سنگ میخورد و دوره عوض شده و این ترفندها دیگر نه عامل بقا، بلکه اعتراض سازمانیافته و آگاهانه برای پایان دادن به عمرشان را موجب میشود.

در این بستر و در این شرایط آنها پتانسیل مبارزاتی بالای جامعه حزبیت یافته در کردستان را خطر جدی در مسیر برچیده شدن نظامشان میدانند. بازداشت و دستگیریهای وسیع و "سناریو سازیهای تلویزیونی مضحک اخیر" عکس العملی از سر ضعف و زبونی در مقابل روند رو به گسترش اعتراضات موثر در شهرهای کردستان است.

مردم آزادیخواه کردستان!

میتوانیم و باید با نیروی اعتراض و مبارزه آگاهانه و سازمانیافته سرکوبگری و موج دستگیریهای وسیع را در شهرهای کردستان سد کنیم. میتوانیم با اقدام و صدای اعتراضی محکم "سناریو سازی پوچ و بی مایه" جمهوری اسلامی علیه چهارده مبارزه انقلابی در کردستان را رسوا کنیم. میتوانیم و لازمست علیه شرایط سخت زندگی، علیه گرسنگی و بیماری و بیکاری و عدم تامین معیشت و سلامت و نبودن

زنده باد سوسیالیسم!